

مقاله پژوهشی: الگوی راهبردی یکپارچه‌سازی ظرفیت‌های ملی در پشتیبانی از جنگ

غلامحسین رضایت^۱، عباس عصار^۲، سیدعلیرضا شیرازی^۳، داریوش نوروزی^۴، عباس سعیدی^۵،

بهروز تسلیمی کار^۶، کیوان شیخ الاسلام^۷

پذیرش مقاله: ۱۴۰۱/۰۸/۰۳

دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۰۶/۰۸

چکیده

پشتیبانی از جنگ‌های آینده، مستلزم مدیریتی منسجم و کارآمد به ویژه در سطوح راهبردی کشور به منظور بهره‌برداری صحیح از همه ظرفیت‌های ملی است. بنابراین لازم است ابتدا ظرفیت‌های ملی جهت پشتیبانی از جنگ‌ها شناسایی شده و به منظور استفاده بهینه از این ظرفیت‌ها، بصورت یکپارچه‌سازی شده در اختیار نیروهای مسلح قرار گیرند. هدف اصلی تحقیق، دستیابی به الگوی راهبردی یکپارچه‌سازی ظرفیت‌های ملی در پشتیبانی از جنگ است که به لحاظ نوع، کاربردی - توسعه‌ای و به لحاظ روش، توصیفی - پیمایشی با رویکرد ترکیبی می‌باشد. روش گردآوری داده‌ها میدانی و کتابخانه‌ای و ابزار گردآوری داده‌ها فیش‌برداری، مصاحبه و پرسشنامه است. حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران معادل ۱۹۶ نفر می‌باشد. تحلیل داده‌ها با استفاده از روش‌های آماری توصیفی صورت پذیرفته است. نهایتاً مشخص گردید که، فرایند یکپارچه‌سازی ظرفیت‌های ملی می‌بایست در دو بعد شامل یکپارچه‌سازی ملی (از طریق شورای عالی پشتیبانی از جنگ) و یکپارچه‌سازی سازمانی (از طریق کمیته‌های برنامه‌ریزی و ستادهای پشتیبانی از جنگ) صورت می‌پذیرد. بعد یکپارچه‌سازی ملی شامل دو مولفه یکپارچه‌سازی خدمات سازمانها و یکپارچه‌سازی زیرساخت‌ها احصاء گردید و بعد یکپارچه‌سازی سازمانی نیز شامل دو مولفه ایجاد و یکپارچه‌سازی بانک جامع اطلاعات و مولفه یکپارچه‌سازی فرآیندها و فرموله کردن آنها می‌باشد که منجر به ایجاد نظام یکپارچه ظرفیت‌های ملی می‌گردد.

واژگان کلیدی: الگوی راهبردی، پشتیبانی، یکپارچه‌سازی، ظرفیت‌های ملی، جنگ

Ghrezayat@ihu.ac.ir

۱ دانشیار دانشگاه جامع امام حسین (علیه السلام) (نویسنده مسئول)

۲ دانشجوی دکتری مدیریت دانش دانشگاه عالی دفاع ملی

۳ دانشجوی دکتری مدیریت دانش دانشگاه عالی دفاع ملی

۴ دانشجوی دکتری علوم دفاعی راهبردی دانشگاه عالی دفاع ملی

۵ دانشجوی دکتری علوم دفاعی راهبردی دانشگاه عالی دفاع ملی

۶ دانشجوی دکتری علوم دفاعی راهبردی دانشگاه عالی دفاع ملی

۷ دانشجوی دکتری علوم دفاعی راهبردی دانشگاه عالی دفاع ملی

مقدمه

در قرآن کریم و آموزه‌های دین مبین اسلام، بارها به اهمیت پشتیبانی از رزمندگان در جنگ و مقابله با دشمن پرداخته شده است.

بطور نمونه خداوند تبارک و تعالی در قرآن کریم می‌فرماید: «الَّذِينَ آمَنُوا وَهَجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ أَعْظَمُ دَرَجَةً عِنْدَ اللَّهِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ» (توبه، ۲۰). کسانی که ایمان آورده و هجرت کرده و در راه خدا با مال و جانشان به جهاد پرداخته‌اند نزد خدا مقامی هر چه والاتر دارند و اینان همان رستگارانند". (قرآن کریم، ترجمه فولادوند)

نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران به دلیل پایبندی به اصول و مبانی ضداستکباری خود و حمایت از محرومان و مستضعفان در سراسر عالم و به علت موقعیت خاص ژئوپلیتیکی، همواره مورد تهدید کشورهای صاحب قدرت به ویژه تهدید نظامی بوده است و در صورت بروز جنگ، با عنایت به مطالب پیش گفته از طرف کشورهای خارجی مورد حمایت قرار نخواهد گرفت و می‌بایست نگاه خود را تماماً معطوف به توان و قدرت داخلی خود نماید.

در دوران هشت سال دفاع مقدس تقریباً تمامی کشورهای دنیا به مقابله با جمهوری اسلامی ایران و حمایت از رژیم بعثی عراق پرداختند و در پشتیبانی از متجاوز ذره‌ای کوتاهی نکردند. لکن به فضل الهی و علیرغم تمامی فشارهای نظامی و اقتصادی، جمهوری اسلامی ایران با اتکاء به تدابیر و هدایت‌های دایمانه حضرت امام خمینی (ره) و تکیه بر توان داخلی توانست بر مشکلات جنگ تحمیلی فائق آید.

لکن با وجود همه جانفشانی‌ها و از خود گذشتگی‌های هموطنان در دوران دفاع مقدس، استفاده مناسبی از تمامی ظرفیت‌های کشور جهت پشتیبانی از جنگ صودت نگرفت و در طول جنگ تحمیلی، فقدان نوعی ساختار منسجم در سطح ملی که بتواند نیاز کلیه یگان‌های رزم جمهوری اسلامی را تامین نماید و با ساختارهای نیروهای مسلح هم‌خوانی داشته باشد، باعث شد که برای اداره جنگ با مشکلاتی مواجه باشیم. (محمدی نیا، ۱۳۹۶: ۱۳۹)

همچنین به دلیل نبود راهبردهای مدون در حوزه بسیج منابع ملی به ویژه در پنج سال اول جنگ تحمیلی، انسجام لازم در کمک‌های دولتی و مردمی وجود نداشت، بطوریکه عدم توان پشتیبانی دولت از جنگ یکی از عوامل مهم پذیرش قطعنامه ۵۹۸ شناخته شد. (درودیان، ۱۳۷۶: ۱۹۱)

بر همین اساس آمادگی برای مقابله با تهاجم و تجاوزات آتی دشمنان یک ضرورت انکارناپذیر

است و این آمادگی محقق نمی‌شود مگر آنکه از یک سو شناخت صحیح و روشنی از جنگ‌های آینده به دست آید و از سوی دیگر ظرفیت‌های ملی متناسب با نیازهای جنگ‌های آینده شناسایی، یکپارچه سازی و بکارگیری شوند.

بر این اساس مساله اصلی این تحقیق، طراحی الگویی راهبردی بصورت مدون و مناسب برای یکپارچه‌سازی ظرفیت‌های کشور در پشتیبانی نیروهای مسلح در جنگ احتمالی آینده است. لذا پژوهشگران در این تحقیق به دنبال الگویی هستند که امر پشتیبانی از جنگ را از طریق یکپارچه‌سازی ظرفیت‌های ملی سهولت بخشیده و به‌کارگیری آن، به طریقی اثربخش، نیازهای جنگ را در حوزه‌های مختلف تأمین نماید.

هدف اصلی تحقیق ارائه الگوی راهبردی یکپارچه‌سازی ظرفیت‌های ملی در پشتیبانی از جنگ می‌باشد و اهداف فرعی تحقیق شامل موارد ذیل می‌باشد:

۱- تعیین فرایندهای یکپارچه‌سازی ظرفیت‌های ملی در پشتیبانی از جنگ شامل ابعاد، مولفه‌ها، شاخص‌ها و نحوه ارتباط آن‌ها.

۲- تعیین ساختار/ نهادهای مناسب برای یکپارچه‌سازی ظرفیت‌های ملی در پشتیبانی از جنگ.

مبانی نظری

پیشینه شناسی

رضا محمدی‌نیا در سال ۱۳۸۹ در رساله خود با عنوان "تدوین راهبرد بسیج منابع مادی کشور برای شرایط تهدید نظامی در پشتیبانی از نیروهای مسلح" تعداد ۸۵ عامل (متغیر) مؤثر در بسیج منابع مادی شناخته است و در یک اقدام تحلیل عاملی، عوامل یادشده در ۱۵ مؤلفه دسته‌بندی گردیدند که همین اقدام مجدداً دسته‌بندی در قالب سه بعد اصلی که شامل دو متغیر مستقل (مؤلفه‌های فرایند اجرایی - مؤلفه‌های زمینه‌ای محیط) و یک متغیر وابسته (بسیج منابع مادی) دسته‌بندی گردیدند. (محمدی‌نیا، ۱۳۸۹)

همچنین دانشجویان دوره اول دکتری پژوهش محور در سال ۱۳۹۷ در مطالعه گروهی با عنوان "طراحی الگوی پشتیبانی کشور از نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران در جنگ" سه طرح‌واره و الگو شامل فرایند مدیریت، پشتیبانی پذیر، پشتیبانی کننده ارائه نموده اند. (گروه مطالعاتی پژوهش محور، ۱۳۹۷)

برخی دیگر از پژوهش‌های مشابه عبارتند از:

- تدوین راهبردهای مناسب بسیج عمومی در دفاع و حضور همه‌جانبه، پژوهش گروهی با محوریت دکتر سید حسن فیروزآبادی مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام ۱۳۸۸
- لجستیک نظامی و عملکرد راهبردی مرکز مطالعات امنیتی دانشگاه «هال^۱» انگلستان (ترجمه متن در فصل‌نامه راهبرد دفاعی، (شماره ۲۶-۱۳۸۸: ۲۱۱)
- تدوین راهبرد نظام حقوقی دفاعی کشور در زمینه‌ی بسیج منابع سید کمال‌الدین محمد رفیعی، مرکز مطالعات دفاعی و امنیتی دانشگاه امام حسین (ع) ۱۳۸۸
- تدوین راهبردهای بسیج مستضعفان، محمدباقر ذوالقدر، دانشگاه عالی دفاع ملی، ۱۳۸۷

مفهوم شناسی

الگوی راهبردی: به فرآیندی اطلاق می‌شود که از طریق آن، سازمان‌ها، محیط‌های داخلی و خارجی خود را شناسایی کرده و درصدد شناخت عمیق آن‌ها بر می‌آیند. علاوه بر آن مسیر راهبردی خود را پایه‌گذاری کرده، دست به خلق استراتژی‌هایی می‌زنند تا با بکارگیری آن‌ها به اهداف تعیین شده سازمان برسند. بر این اساس الگوهای راهبردی به چهار دسته کلی الگوهای مبتنی بر تحلیل بیرونی، الگوهای مبتنی بر تحلیل درونی، الگوهای مبتنی بر تحلیل ذهنی-جامعه‌شناختی و الگوهای جامع تقسیم‌بندی می‌شوند. (اسماعیلی و بالایی، ۱۳۹۲).

الگوی راهبردی الگویی است که در آن ابعاد، مولفه‌ها، شاخصها و روابط بین آنها در فرایند تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری تعریف شده و میتواند به عنوان مدلی، مرجع و تعمیم‌پذیر در اداره جنگ بکارگرفته شود.

ظرفیت‌های ملی: ایدئولوژی و ارزش‌های سیاسی که منجر به مشروعیت و مقبولیت نظام سیاسی می‌شود، عوامل اجتماعی-انسانی شامل میزان جمعیت، ویژگی‌های ملی، روحیه ملی، یکپارچگی اجتماعی، عوامل سیاسی شامل ثبات سیاسی، رهبری، شکل حکومت، اعتبار ملی، عوامل جغرافیایی شامل وسعت، شکل، وزن طبیعی مرزها و وضع اقلیمی، عوامل نظامی شامل سلاح، تجهیزات، کم و کیف نیروی انسانی، رهبری، بودجه نظامی، پایگاه‌ها، فنون نظامی، تحرک نیروها، تدارک و لجستیک، عوامل اقتصادی شامل تولید ناخالص ملی، درآمد سرانه، کم و کیف تولیدات صنعتی و

کشاورزی، دسترسی به منابع، درجه وابستگی به منابع مالی و اقتصادی سایر کشورها ظرفیت‌های ملی یک کشور هستند. (زرقانی، ۱۳۸۸: ۱۲۷)

جنگ: سازمان ملل در تاریخ ۱۴ دسامبر ۱۹۷۴ تعریف زیر را از جنگ و تهاجم ارائه داد. «به کار گرفتن نیروی مسلحانه به‌وسیله یک دولت علیه حاکمیت و تمامیت ارضی یک سرزمین و یا استقلال سیاسی یک دولت دیگر و یا اتخاذ هر شیوه دیگری است که با میثاق ملل متحد منافات داشته باشد» (حافظ نیا، ۱۳۹۰: ۳۴۰).

ساختار سازمانی: ساختار سازمانی در واقع شرح دقیق همه فرآیندها، وظایف، ارتباطات داخلی و خارجی، مسئولیت‌ها و اختیارات سازمان است که در قالب اسناد متعددی تعریف و تدوین می‌شود. به‌عبارت‌دیگر ساختار سازمانی خشت اول ایجاد سازمان است. (حسینیان، ۱۳۹۴) از نظر گودهارت (۲۰۰۲) ترتیبات سلسله‌مراتبی، اختیار، ارتباطات، حقوق و وظایف در سازمان که عموماً توسط چارت سازمانی نمایان می‌شود؛ ساختار سازمانی نام دارد. (شریعتی، ۱۳۹۵: ۶۱)

در طراحی ساختار باید متغیرهای تأثیرگذار از جمله هدف سازمان، استراتژی‌های تعیین‌شده، فناوری و شرایط محیطی مورد توجه قرار گیرد و اینکه چه کارهایی باید انجام شود، افراد چگونه در گروه و طبقه‌بندی‌های خاص قرار گیرند و زنجیره فرماندهی چگونه باشد تا دستیابی به هدف موردنظر امکان‌پذیر گردد. هر سازمان به‌منظور رسیدن به هدفی خاص به وجود آمده پس در طراحی ساختار باید به این نکته توجه شود که چه کارهایی باید انجام شود. بعد از مشخص شدن کارها و وظایف، افراد به گروه‌ها و دوائر خاصی تقسیم‌بندی می‌شوند که انجام هر بخش از کارها به عهده یک دایره است. زنجیره فرماندهی افراد را در سازمان به یکدیگر وصل کرده و مشخص می‌شود که افراد باید گزارش کار خود را به چه افرادی بدهند؛ بنابراین در طراحی ساختار ابتدا وظایف اصلی به وظایف فرعی شکسته شده و وظایف فردی به واحدها و پست‌های سازمان محول می‌گردد و نوعی تقسیم‌کار به وجود می‌آید و سپس از طریق ترکیب این پست‌ها و واحدها و ایجاد هماهنگی لازم بین آن‌ها همکاری لازم برای دستیابی به هدف مشترک فراهم می‌گردد (دفت، ۱۳۷۸: ۲۲۷).

یکپارچه‌سازی: یکپارچه‌سازی؛ هماهنگی نیروی انسانی، فرآیندها و فناوری‌های موجود در یک سازمان به‌منظور ایجاد ارزش افزوده و فراهم کردن زمینه کار مشترک این عوامل است. به عبارتی یکپارچه‌سازی عبارت است از ادغام فرآیندها و اجزا و حجم زیادی از داده‌ها و اطلاعات موجود در سازمان به‌عنوان یک مجموعه واحد. (وز الک، ۱۹۹۹: ۸۵). یکپارچه‌سازی شامل کلیه مواردی است که به‌منظور ایجاد فرآیندهایی بی‌نقص و چالاک و ساختار سازمانی منطبق با اهداف راهبردی سازمان، لازم است. یکپارچگی سازمانی

شرایطی است که تحت آن کلیه عملیات سازمان به منظور رسیدن به یک هدف مشترک، با استفاده از اهداف، قوانین، کنترل‌ها و سیستم‌های تعیین شده به‌طور شفاف، با یکدیگر به‌صورت کارا و مؤثر به‌منظور بیشینه نمودن ارزش افزوده و کمینه کردن ضایعات سیستم همکاری می‌نمایند. (بیتتسی، ۱۹۹۵: ۳۰). در حالی که یکپارچه‌سازی جایگاه مرکزی در حوزه‌های متعددی چون مدیریت، راهبرد، تئوری سازمانی، مدیریت تولید، عملیات و سیستم‌های اطلاعاتی دارد؛ (بارکی و پینسونو ۲۰۰۵) در راهبرد، ریشه‌های مفهومی یکپارچه‌سازی را می‌توان در مفاهیم تعاون و هماهنگی فایول و همچنین در تعریف لورنس از یکپارچه‌سازی ردیابی نمود. از این دیدگاه، منظور از یکپارچه‌سازی این است که بخش‌های مختلف چگونه با یکدیگر به‌صورت موزون تعامل نموده و فعالیت‌هایشان به‌صورت تنگاتنگ هماهنگ شود. در راستای این نگاه، ادبیات راهبرد از مفهوم یکپارچه‌سازی، برای شرح هماهنگی فعالیت‌ها یا مدیریت وابستگی میان آن‌ها استفاده می‌کند. مفهوم یکپارچه‌سازی در بیشتر رشته‌ها، هم‌راستا با دیدگاه بالا است. بر اساس این دیدگاه، یکپارچه‌سازی نشان می‌دهد که سیستم‌های مختلف تا چه اندازه به هم پیوسته‌اند و می‌توانند با یکدیگر تعامل کنند. دیدگاه دیگر، یکپارچه‌سازی را در این می‌بیند که فرایندهای دو یا چند سازمان مستقل تا چه اندازه استاندارد شده و پیوند مستحکمی با یکدیگر دارند. از آنجاکه رشته‌های مختلف روی مؤلفه‌ها یا فعالیت‌های سازمانی مختلفی تمرکز دارند لذا مفهوم یکپارچه‌سازی در حوزه‌های مختلف به اشکال مختلفی درک و تعریف شده است. البته باوجود تفاوت‌های واضح آن‌ها، مفهوم یکپارچه‌سازی حول یک مفهوم بنیادی سیر می‌کند که بکری آن را یکپارچه‌سازی سازمانی^۱ نامیده و آن‌را به این شکل تعریف می‌کند که مؤلفه‌های سازمانی متمایز و وابسته به یکدیگر تا چه اندازه تشکیل یک کل متحد^۲ می‌دهند. هر یک از زیرسیستم‌های یک کشور در جایگاه خود گره‌های اساسی از مشکلات کشور می‌گشایند، ولی کارکرد اصلی این عناصر زمانی خودنمایی می‌کند که بتوانند فرایندهای ملی را با یکدیگر همسو نمایند؛ به عبارت دیگر، این زیرسیستم‌ها باید مانند یک شبکه عصبی در بدنه نظام، حرکت همه اعضا را هماهنگ نمایند تا نظام بتواند با کمترین انرژی، بیشترین سرعت را در مسیر اهداف خود داشته باشد. این هدف از طریق یکپارچه‌سازی ظرفیت‌های ملی در نظام میسر می‌شود.

مفهوم یکپارچه‌سازی، در طول سال‌ها بین رشته‌های مختلف به‌طور متنوعی درک و تصور شده و در یک بستر نسبتاً غیر وابسته و غیر یکپارچه تکامل یافته است؛ به‌طوری که هر رشته، از منظر خود به موضوع نگاه می‌کند. (بارکی و پینسونو، ۲۰۰۵).

در حالی که یکپارچه‌سازی جایگاه مرکزی در حوزه‌های متعددی چون مدیریت، راهبرد، تئوری سازمانی، مدیریت تولید/عملیات و سیستم‌های اطلاعاتی دارد؛ (بارکی و پینسونو، ۲۰۰۵) در راهبرد، ریشه‌های

^۱- Organization Integration

^۲- Unified whole

مفهومی یکپارچه سازی را می‌توان در مفاهیم تعاون و هماهنگی فایول و همچنین در تعریف لورنس از یکپارچه سازی ردیابی نمود. از این دیدگاه، منظور از یکپارچه سازی این است که بخش‌های مختلف چطور با یکدیگر به صورت موزون تعامل نموده و فعالیت‌هایشان به صورت تنگاتنگ هماهنگ شود. در راستای این نگاه، ادبیات راهبرد از مفهوم یکپارچه سازی، برای شرح هماهنگی فعالیت‌ها یا مدیریت وابستگی میان آن‌ها استفاده می‌کند. (همان، ۵)

مفهوم یکپارچه سازی در بیشتر رشته‌ها، هم‌راستا با دیدگاه بالا است. بر اساس این دیدگاه، یکپارچه سازی نشان می‌دهد که سیستم‌های مختلف تا چه اندازه به هم پیوسته‌اند و می‌توانند با یکدیگر تعامل کنند. دیدگاه دیگر، یکپارچه سازی را در این می‌بیند که فرایندهای دو یا چند سازمان مستقل تا چه اندازه استاندارد شده و پیوند مستحکمی با یکدیگر دارند. از آنجاکه رشته‌های مختلف روی مؤلفه‌ها یا فعالیت‌های سازمانی مختلفی تمرکز دارند لذا مفهوم یکپارچه سازی در حوزه‌های مختلف به اشکال مختلفی درک و تعریف شده است. البته با وجود تفاوت‌های واضح آن‌ها، مفهوم یکپارچه سازی حول یک مفهوم بنیادی سیر می‌کند که بکری آن را یکپارچه سازی سازمانی^۱ (OI) نامیده و آن را به این شکل تعریف می‌کند که مؤلفه‌های سازمانی متمایز و وابسته به یکدیگر تا چه اندازه تشکیل یک کل متحد^۲ می‌دهند. در این تعریف، واژه مؤلفه به واحدها، دپارتمان‌ها یا همکاران سازمانی اشاره دارد و شامل فرایندهای کاری، افراد و فناوری‌های درگیر در آن است. (همان، ۸).

هر یک از زیرسیستم‌های یک کشور در جایگاه خود گره‌های اساسی از مشکلات کشور می‌گشایند، ولی کارکرد اصلی این عناصر زمانی خودنمایی می‌کند که بتوانند فرایندهای ملی را با یکدیگر همسو نمایند؛ به عبارت دیگر، این زیرسیستم‌ها باید مانند یک شبکه عصبی در بدنه نظام، حرکت همه اعضا را هماهنگ نمایند تا نظام بتواند با کمترین انرژی، بیشترین سرعت را در مسیر اهداف خود داشته باشد. این هدف از طریق یکپارچه‌سازی ظرفیت‌های ملی در نظام میسر می‌شود.

یکپارچه‌سازی شامل کلیه مواردی است که به منظور ایجاد فرآیندهایی بی‌نقص و چالاک و ساختار سازمانی منطبق با اهداف راهبردی سازمان، لازم است. یکپارچگی سازمانی شرایطی است که تحت آن کلیه عملیات سازمان به منظور رسیدن به یک هدف مشترک، با استفاده از اهداف، قوانین، کنترل‌ها و سیستم‌های تعیین شده به طور شفاف، با یکدیگر به صورت کارا و مؤثر به منظور بیشینه نمودن ارزش افزوده و کمینه کردن ضایعات سیستم همکاری می‌نمایند. (بیتیتسی، ۱۹۹۵: ۳۰).

-
- 1- Organization Integration
 - 2- Unified whole

یکپارچه‌سازی ظرفیت‌های ملی می‌تواند به اشکال مختلف صورت گیرد. در مجموع دو نوع یکپارچه‌سازی مطرح است: یکپارچه‌سازی راهبردی^۱ که به انطباق راهبردها با زیرساخت‌ها می‌پردازد (وز الک، ۱۹۹۹: ۸۵) و از آن به عنوان یکپارچه‌سازی ملی نیز یاد می‌گردد (مصاحبه با ارسطو توحیدی) و یکپارچه‌سازی کارکردی^۲ که به انطباق قلمرو اعمال قدرت می‌پردازد (وز الک، ۱۹۹۹: ۸۵) و از آن به عنوان یکپارچه‌سازی سازمانی نام برده می‌شود. (مصاحبه با ارسطو توحیدی)

با توجه به اینکه دامنه یکپارچه‌سازی در حال تغییر است، رویکردها، راهبردها، روش‌ها و ابزارهای یکپارچه‌سازی نیز در حال گسترش هستند تا بتوان با استفاده از آن‌ها مسائل یکپارچه‌سازی را حل کرد. روند یکپارچه‌سازی از یکپارچه‌سازی سطح داده‌ها شروع شده و به یکپارچه‌سازی سطح برنامه‌های اجرایی و سطح متد^۳ می‌رسد. رویکردهای معماری در برخی کشورها از سطح مؤسسه و طراحی در سطح سیستم‌ها به سرویس‌گرایی تغییر یافته و هم‌اکنون موضوع سرویس‌گرایی یکی از پارادایم‌های مطرح در حوزه یکپارچه‌سازی سیستم‌های نظامی است.

یکپارچه‌سازی هماهنگی نیروی انسانی، فرآیندها، فناوری‌های موجود در یک سازمان به‌منظور ایجاد ارزش افزوده و فراهم کردن زمینه کار مشترک این عوامل است. به عبارتی یکپارچه‌سازی عبارت است از ادغام فرآیندها و اجزا و حجم زیادی از داده‌ها و اطلاعات موجود در سازمان به‌عنوان یک مجموعه واحد. (وز الک، ۱۹۹۹: ۸۵).

پشتیبانی: پشتیبانی راهبردی همان هدف کلان پشتیبانی است که می‌بایست با انجام تمهیدات لازم کلیه نیازمندی‌های پشتیبانی نیروهای مسلح را به نحو مطلوب تأمین، ذخیره‌سازی، آماده‌سازی، جابه‌جایی و توزیع نماید و شرایط لازم و مطمئن به‌منظور استمرار آن‌ها خصوصاً در زمان بحران فراهم سازد. پشتیبانی تابعی از شیوه جنگ است، وظیفه سیستم پشتیبانی ایجاد شرایط برپایی و مجرای پشتیبانی به‌منظور کمک‌رسانی مطمئن مناسب به رزمندگان در انجام مأموریت‌ها در دستیابی به اهداف موردنظر آنان است؛ بنابراین، در شیوه‌های مختلف جنگی شیوه‌های پشتیبانی متفاوت و متنوع به کار گرفته می‌شوند. (مونکلر، ۱۳۸۰: ۵)

مطالعات تطبیقی

پشتیبانی در نیروهای مسلح ترکیه: از آنجائی که ارتش ترکیه از نظر آماد و پشتیبانی اتکای شدیدی به کمک‌های نظامی آمریکا و پاره‌ای از کشورهای ناتو دارد، لذا از سامانه، خط‌مشی و شیوه‌های مشابه آن‌ها پیروی می‌نماید.

-
- 1- Strategic Integration
 - 2- Functional Integration
 - 3- Method

بخش آماد و پشتیبانی ستاد کل نیروهای مسلح ترکیه (TGS) یک ارتباط راهبردی با وزارت دفاع جمهوری ترکیه به‌عنوان تدارک کننده و نیز فرماندهی نیروهای پنج‌گانه به‌عنوان مصرف کننده، دارا هست (باقری، ۱۳۸۷: ۲۸۴-۲۹۴).

پشتیبانی در ارتش پاکستان: در بالاترین سطح، در ستاد مشترک ارتش پاکستان یک مدیرکل آماد و پشتیبانی قرار دارد که دارای چهار مدیریت به شرح زیر است:^۱

مدیریت آماد و پشتیبانی، مدیریت تأمین و حمل‌ونقل، مدیریت سامانه عملیاتی، بخش مهندسی الکترونیک و مکانیک.

روش آماد و پشتیبانی ارتش پاکستان بر مبنای تأمین نیازمندی‌های ارتش در مناطق تدارکاتی پایه‌گذاری شده و به شرح زیر اجرا می‌شود:

منطقه مبنای، منطقه مواصلات، منطقه رزم (فرماندهی پشتیبانی لشکرها)

پشتیبانی نیروهای مسلح آمریکا: در آمریکا، کارکنان آماد و پشتیبانی وظایف زیر را بر عهده دارند:

- ارائه پشتیبانی راهبردی، عملیاتی و تاکتیکی
- مدیریت فرایندهای لجستیکی
- به‌کارگیری شبکه‌های موجود و گسترش سایر شبکه‌ها
- پیش‌بینی نیازمندی‌های مأموریتی و عملیاتی و ارائه جایگزین برای آن‌ها
- ارزیابی، طراحی و اجرای فرایندهای لجستیکی به‌منظور پشتیبانی از مأموریت
- آماد نظامی، تدارکات نظامی یا لجستیک نظامی هنر و دانش طرح‌ریزی و انجام فعالیت‌ها و ابقاء نیروهای نظامی است. به معنای جامع لجستیک نظامی شامل موارد زیر می‌شود:
- طراحی، ایجاد، تعلیم، ذخیره‌سازی، توزیع، ابقاء، تخلیه و آماده‌به‌کاری ادوات رزمی.
- حرکت دهی، تخلیه و درمان کارکنان.
- ساختاردهی، ابقاء، فعالیت دهی و آماده‌به‌کاری تجهیزات و وسایل.
- آموزش و مجهز کردن خدمه سامانه نظامی.

مدل مفهومی تحقیق^۲: بر اساس مطالعات صورت پذیرفته، به منظور یکپارچه‌سازی ظرفیت‌های ملی در پشتیبانی از جنگ، نیازمند ۲ ورودی مهم شامل ظرفیت‌های مبتنی بر نیاز نیروهای مسلح و سیاست‌گذاری و قانون‌گذاری برای یکپارچه‌سازی می‌باشیم.

فرایند یکپارچه‌سازی ظرفیت‌های ملی دارای ۳ بعد یکپارچه‌سازی ملی، یکپارچه‌سازی بین‌سازمانی و یکپارچه‌سازی درون‌سازمانی است که یکپارچه‌سازی ملی از طریق شورای عالی پشتیبانی از جنگ،

۱. مدیریت آماد و پش - انتشارات دانشکده فرماندهی و ستاد آجا، ۱۳۸۳ به نقل از آرشیو معاونت طرح و برنامه و بودجه و معاونت اطلاعات آجا.

2- Theorical framework

یکپارچه سازی بین سازمانی از طریق کمیته برنامه ریزی و یکپارچه سازی درون سازمانی از طریق ستادهای پشتیبانی از جنگ صورت می پذیرد.

بعد یکپارچه سازی ملی در برگیرنده دو مولفه یکپارچه سازی خدمات سازمانها متناسب با نیازها و یکپارچه سازی زیرساختها می باشد. همچنین بعد یکپارچه سازی درون سازمانی نیز در برگیرنده دو مولفه ایجاد و یکپارچه سازی بانک جامع اطلاعات در حوزه ظرفیتها و یکپارچه سازی فرآیندها و فرموله کردن آنها است. یکپارچه سازی بین سازمانی نیز در برگیرنده هر ۴ مؤلفه یادشده به منظور ایجاد هماهنگی و افزایش سطح تعاملات بین درون سازمانها با سطح ملی در پشتیبانی از نیروهای مسلح می باشد.

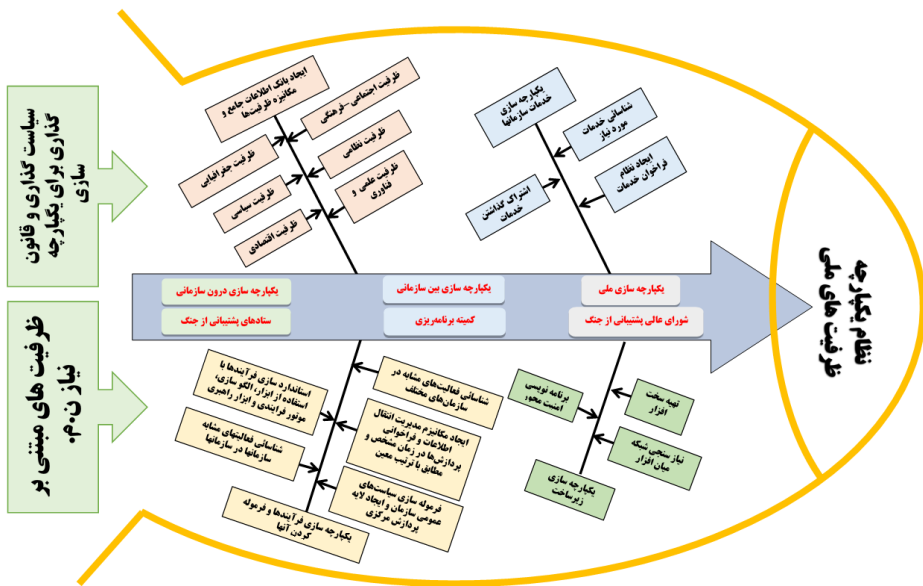
بنابراین ۴ مؤلفه در این الگو تعیین گردیده است که شاخصهای هر یک به شرح زیر می باشد:

مؤلفه یکپارچه سازی خدمات سازمانها متناسب با نیازها شامل شاخصهای شناسایی خدمات مورد نیاز، ایجاد نظام فراخوان خدمات و اشتراک گذاشتن خدمات؛ مؤلفه یکپارچه سازی زیرساختها شامل شاخصهای نیازسنجی شبکه میان افزار، برنامه نویسی امنیت محور و تهیه سخت افزار؛ مؤلفه ایجاد و یکپارچه سازی بانک جامع اطلاعات در حوزه ظرفیتها شامل شناسایی ظرفیتها در حوزههای ششگانه اجتماعی - فرهنگی، اقتصادی، سیاسی، جغرافیائی، علمی - فناوری و نظامی و در نهایت مؤلفه یکپارچه سازی فرآیندها و فرموله کردن آنها نیز شامل شاخصهای ایجاد مکانیزم مدیریت انتقال اطلاعات و فراخوانی پردازشها، تدوین سیاستهای عمومی سازمان و ایجاد لایه پردازش مرکزی، شناسایی فعالیتهای مشابه در سازمانهای مختلف، حذف فرآیندهای زائد و غیر ضروری و نهایتاً استاندارد سازی فرآیندها با استفاده از ابزار الگوسازی، موتور فرایندی و ابزار راهبری می باشند که منجر به ایجاد نظام یکپارچه ظرفیتهای ملی می گردد.

در مدل ارائه شده در این تحقیق به منظور پاسخگویی هر سطح به سطح مافوق و همچنین اعمال نظارت و کنترل، ساختار سلسله مراتبی انتخاب گردیده که در فرآیند یکپارچه سازی با ایجاد بسترهای لازم و شناسایی ظرفیتهای ملی موجود، زمینه لازم را برای بکارگیری بهتر و موفقیت آمیزتر از ظرفیتهای ملی فراهم خواهد کرد. در این ساختار، شورای عالی پشتیبانی از جنگ که در فرآیند یکپارچه سازی، وظیفه یکپارچه سازی ملی را بر عهده دارد، سیاستگذاری لازم در چگونگی بکارگیری از ظرفیتهای ملی و رفع خلاءهای احتمالی موجود در این خصوص را نیز عهده دار می باشد. کمیته برنامه ریزی نیز متناسب با سطح وظیفه خود در فرآیند یکپارچه سازی که شامل یکپارچه سازی بین سازمانی است، در فرآیند بکارگیری با برنامه ریزی در خصوص تأمین نیازهای مسلح از منابع موجود، وظیفه هماهنگی بین سازمانی را بین نیروهای مسلح و سایر سازمانهای لشکری و کشوری بر عهده دارد. ستادهای پشتیبانی از جنگ نیز که در فرآیند یکپارچه سازی به یکپارچه سازی درون سازمانها و مجموعهها می پردازد و در فرآیند بکارگیری

ظرفیت‌های ملی در پشتیبانی از جنگ، در امتداد مصوبات کمیته برنامه‌ریزی، با داشتن عوامل درون سازمانی نسبت به تأمین نیازها اقدام خواهد کرد.

با توجه به اینکه هدف از یکپارچه‌سازی ظرفیت‌های ملی، ارائه خدمات به نیروهای مسلح در زمان جنگ می‌باشد و همچنین چون در کنار ابعاد، مؤلفه و شاخص‌ها، فرایندها و ارتباطات یکپارچه‌سازی نیز ارائه گردیده است، لذا می‌بایست از الگوی استفاده می‌شد که هم‌زمان امکان پوشش هر ۳ موضوع پیش‌گفته یعنی امور خدماتی و فرایندها و ارتباطات را داشته باشد. به همین علت محققین از مدل استخوان ماهی استفاده نموده‌اند. (مطالعات گروهی دوره بیست‌وهفتم دفاع ملی، ۱۳۹۹: ۱۵۹)



شکل ۱: مدل مفهومی یکپارچه‌سازی ظرفیت‌های ملی در پشتیبانی از جنگ

روش‌شناسی تحقیق

در این تحقیق با استفاده از روش توصیفی-پیمایشی و با رویکرد ترکیبی (کیفی-کمی) به اجرای تحقیق حاضر پرداخته شده است. نوع تحقیق کاربردی-توسعه‌ای می‌باشد. با توجه به تخصصی بودن موضوع تحقیق، جامعه آماری از بین کارکنان شاغل و یا بازنشسته ستاد کل نیروهای مسلح، ارتش، سپاه، نیروی انتظامی، وزارت دفاع، دولت، بخش خصوصی و نهادهای عمومی می‌باشند که دارای حداقل ۵ سال سابق خدمتی در حوزه‌های تعیین شده، حداقل سطح تحصیلات کارشناس ارشد، حداقل سنوات خدمتی ۲۵ سال، دارای حداقل جایگاه ۱۸ و یا مدیر کل، دارای کتاب، رساله و مقالات معتبر در زمینه مرتبط با موضوع

پژوهش، آشنا به مفاهیم و مسائل پشتیبانی از نیروهای مسلح و رساله‌های مرتبط با موضوع را داوری یا راهنمایی نموده باشند. با توجه به ویژگی‌های مورد اشاره، جامعه آماری به تعداد ۴۰۰ نفر تعیین و حجم نمونه نیز با استفاده از روش کوکران به تعداد ۱۶۹ نفر محاسبه گردید. ابزار گردآوری داده‌های تحقیق پرسشنامه بسته محقق ساخته بوده که روایی آن از طریق روش ضریب لاوشه و پایایی آن از طریق ضریب آلفای کرونباخ تأیید گردیدی شایان ذکر است به منظور اخذ نظر پاسخگویان فضای مناسبی در پرسشنامه تعبیه گردید تا چنانچه پاسخگویان نظر تکمیلی در خصوص موضوع پژوهش داشته باشند اعلام نمایند. در تحلیل داده‌ها از روش‌های آماری توصیفی از قبیل جداول فراوانی، محاسبه میانگین و نسبت‌ها استفاده شده است. روش‌های آماری مورد استفاده در این پژوهش، دو دسته روش‌های آماری استنباطی و روش‌های آماری توصیفی هستند. همچنین تجزیه و تحلیل داده‌های بدست آمده با استفاده از نرم افزارهای آماری SPSS و AMOS صورت گرفته است.

در این تحقیق یک سؤال اصلی شامل "الگوی راهبردی یکپارچه‌سازی ظرفیت‌های ملی در پشتیبانی از جنگ چگونه است؟" و دو سؤال فرعی شامل "فرایندهای یکپارچه‌سازی ظرفیت‌های ملی در پشتیبانی از جنگ شامل ابعاد، مولفه‌ها، شاخص‌ها و نحوه ارتباط آنها چگونه است؟" و "ساختار/ نهادهای مناسب برای یکپارچه‌سازی ظرفیت‌های ملی در پشتیبانی از جنگ چیست؟" مدنظر قرار گرفته است. با توجه به اینکه تحقیق حاضر دارای نتایج اکتشافی است، لذا فاقد فرضیه می‌باشد.

تجزیه و تحلیل داده‌ها و یافته‌های تحقیق

تجزیه و تحلیل داده‌های گردآوری شده به تفکیک سوال‌های تحقیق به شرح زیر هستند. در تجزیه و تحلیل یافته‌های اولیه که منتج به ارائه الگوی مفهومی تحقیق گردیده است، از تحلیل‌های مرتبط با مجذور کای، درجه آزادی، شاخص برازش هنجار شده، شاخص برازش تطبیقی، شاخص ریشه دوم میانگین مربعات خطای برآورد و بار عاملی استفاده گردیده است تا ضمن بررسی وضعیت تأیید یا عدم تأیید هر یک از ابعاد و مؤلفه‌ها، وضعیت ارتباط آن‌ها در الگوی ارائه شده تعیین گردد. (مطالعات گروهی دوره بیست‌وهفتم دفاع ملی، ۱۳۹۹: ۱۷۰)

سؤال فرعی اول: فرایندهای یکپارچه‌سازی ظرفیت‌های ملی در پشتیبانی از جنگ شامل ابعاد، مولفه‌ها، شاخص‌ها و نحوه ارتباط آنها چگونه است؟

به منظور ارائه پاسخ مربوط به سؤال اول تحقیق، تعداد ۲۳ سؤال شامل ۲ سؤال در خصوص ابعاد استخراج شده، ۴ سؤال در خصوص مؤلفه‌ها و ۱۷ سؤال در خصوص شاخص‌های احصاء شده در قالب پرسش‌نامه به حجم نمونه ارائه گردید و برابر پاسخ‌های دریافتی، تمام ابعاد، مؤلفه‌ها و شاخص‌های ارائه شده در الگوی مفهومی مورد تأیید حجم نمونه قرار گرفتند. (همان، ۱۷۸-۱۷۵)

همچنین فرایندهای یکپارچه‌سازی ظرفیت‌های ملی در پشتیبانی از جنگ توسط ۶ سؤال جهت شاخص‌های

مؤلفه ایجاد و یکپارچه سازی بانک جامع اطلاعات به منظور تعیین ضرورت ظرفیت‌های اجتماعی و فرهنگی، جغرافیایی، نظامی، سیاسی، اقتصادی و علمی فناوری؛ ۳ سؤال جهت شاخص‌های مؤلفه یکپارچه‌سازی خدمات سازمان‌ها متناسب با نیازها به منظور تعیین میزان اهمیت شناسائی خدمات موردنیاز، ایجاد نظام فراخوان خدمات و اشتراک گذاشتن خدمات؛ ۵ سؤال جهت شاخص‌های مؤلفه یکپارچه‌سازی فرایندها و فرموله کردن آن‌ها به منظور تعیین اهمیت ایجاد مکانیزم مدیریت انتقال، اطلاعات و فراخوانی پردازش‌ها، تدوین سیاست‌های عمومی سازمان و ایجاد لایه پردازش مرکزی و شناسائی فعالیت‌های مشابه در سازمان‌های مختلف و نهایتاً تعداد ۳ سؤال جهت شاخص‌های مؤلفه یکپارچه‌سازی زیرساخت‌ها به منظور تعیین اهمیت نیازسنجی میان افزار، برنامه نویسی امنیت محور و تهیه سخت‌افزار طرح گردیده است. (همان، ۱۷۹)

نتایج حاصل از مجذور کای (۹۵.۱۶۷)، درجه آزادی (۷۲) شاخص برازش هنجار شده (۰.۸۹۳) شاخص برازش تطبیقی (۰.۹۷۱) و شاخص ریشه دوم میانگین مربعات خطای برآورد (۰.۰۴۲)، مشخص نمود که فرایندهای یکپارچه‌سازی ظرفیت‌های ملی در پشتیبانی از جنگ از برازش مناسبی برخوردار است لیکن با توجه به تداخل بخشی از شرح وظایف کمیته برنامه‌ریزی و ستادهای پشتیبانی از جنگ و هم‌پوشانی بخش عمده‌ای از یکپارچه‌سازی بین و درون سازمانی، یکپارچه‌سازی بین سازمانی و درون سازمانی به صورت یکجا و با عنوان یکپارچه سازی سازمانی که از طریق مشارکت اعضای کمیته برنامه‌ریزی و ستادهای پشتیبانی از جنگ بصورت متمرکز اقدام خواهد شد، در نظر گرفته شود. (همان)

در ادامه با محاسبه بار عاملی هر یک از فرایندهای یکپارچه‌سازی ظرفیت‌های ملی در پشتیبانی از جنگ، مشخص گردید که به جز دو شاخص "شناسائی فعالیت‌های مشابه در سازمان‌های مختلف" و همچنین "استاندارد سازی فرایندها با استفاده از ابزار، الگو سازی، موتور فرایندی و ابزار راهبری" در مؤلفه یکپارچه سازی فرایندها و فرموله کردن آن‌ها، مابقی شاخص‌های به دست آمده در مؤلفه‌های یکپارچه‌سازی ظرفیت‌های ملی مورد تأیید قرار گرفته‌اند و فرآیند ظرفیت‌های علمی فناوری با بار عاملی ۰.۶۹ بیشترین اهمیت را در بین متغیرهای فرایند یکپارچه‌سازی دارد. (همان، ۱۸۹)

سؤال فرعی دوم: "ساختار/ نهادهای مناسب برای یکپارچه‌سازی ظرفیت‌های ملی در پشتیبانی از جنگ چیست؟" جهت ساختار/ نهادهای مناسب برای یکپارچه‌سازی ظرفیت‌های ملی در پشتیبانی از جنگ، تعداد سه سؤال به منظور تعیین اهمیت ساختار شورای عالی پشتیبانی از جنگ (با ترکیب روسای سه قوه و رئیس ستاد کل نیروهای مسلح)، ساختار کمیته برنامه‌ریزی (با ترکیب معاون اول رئیس جمهور، وزیر دفاع، معاونت‌های ذیربط ستاد کل ن.م، رئیس سازمان برنامه و بودجه، وزیر کشور، سایر وزرا برحسب نیاز، نماینده نهادهای عمومی غیردولتی، نماینده تشکل‌های مردمی) و ساختار ستادهای پشتیبانی از جنگ (با ترکیب ستادهای مرکزی، استانی و شهرستانی) در یکپارچه‌سازی طرح گردید. (همان، ۱۷۸-۱۷۵)

نتایج به دست آمده از مجذور کای (صفر)، درجه آزادی (صفر) شاخص برازش هنجار شده (۱) شاخص

برازش تطبیقی (۱)، بیانگر این واقعیت هستند که الگوی ساختار مناسب برای یکپارچه‌سازی ظرفیت‌های ملی در پشتیبانی از جنگ یک الگوی اشباع بوده و هر سه سطح ساختار به دست آمده از برازش مناسبی برخوردار است. (همان)

نتایج حاصل از محاسبه بار عاملی هر یک از ساختارهای سه‌گانه فوق (ساختار شوراهای پشتیبانی «۰/۴۷»، ساختار کمیته برنامه‌ریزی «۰/۶۴» و ساختار ستادهای پشتیبانی «۰/۶۷») بیانگر این موضوع می‌باشد که ساختارهای پیشنهادی پاسخگوی نیازمندی‌های یکپارچه‌سازی ظرفیت‌های ملی در پشتیبانی از جنگ بوده و ساختار ستادهای پشتیبانی بیشترین اهمیت را در بین سایر ساختارها دارد. (همان، ۱۹۳)

در ادامه روند تجزیه و تحلیل یافته‌های حاصل از پژوهش حاضر، نسبت به محاسبه همبستگی بین ساختار/نهادهای یکپارچه‌سازی به منظور تعیین میزان همبستگی بین متغیرها اقدام گردیده و نتایج به دست آمده بیانگر این موضوع می‌باشند که بیشترین همبستگی در ساختارهای پیشنهادی یکپارچه‌سازی، بین «ایجاد و یکپارچه سازی بانک جامع اطلاعات» و «یکپارچه‌سازی خدمات سازمان‌ها» می‌باشد و این بدان معنا است که در تهیه بانک جامع و مکانیزه از ظرفیت‌های موجود و همچنین ایجاد یکپارچه‌سازی خدمات سازمان‌ها می‌بایست با اولویت اول اقدام نمود. (همان، ۱۹۶)

سؤال اصلی تحقیق: الگوی راهبردی یکپارچه‌سازی ظرفیت‌های ملی در پشتیبانی از جنگ چگونه است؟ در راستای بررسی اعتبار الگوی پیشنهادی یکپارچه‌سازی ظرفیت‌های ملی در پشتیبانی از جنگ، مجذور کای (۷۳.۸۰۳)، درجه آزادی (۶۵)، شاخص برازش هنجار شده (۰.۹۱۷) شاخص برازش تطبیقی (۰.۹۸۹) و شاخص ریشه دوم میانگین مربعات خطای برآورد (۰.۰۲۷) به دست آمده که نشان می‌دهد الگوی پیشنهادی محققین از برازش مناسبی برخوردار است. (همان، ۱۹۹-۱۹۸)

نتیجه‌گیری و پیشنهاد

الف- نتیجه‌گیری

از نتایج حاصل، مشخص گردید که الگوی یکپارچه‌سازی ظرفیت‌های ملی نیازمند ۲ درون‌داد اصلی و مهم شامل نیازمندی‌های نیروهای مسلح در زمان جنگ مبتنی بر ظرفیت‌های ملی و سیاست‌گذاری و قانون‌گذاری برای یکپارچه‌سازی است. نیازمندی‌های نیروهای مسلح تحدید کننده مسیر شنایی ظرفیت‌های ملی می‌باشد تا ظرفیت‌ها متناسب با نیازها تعیین و در صورت عدم وجود ظرفیت متناسب با نیازهای نیروهای مسلح نسبت به ظرفیت‌سازی در آن حوزه اقدام گردد. همچنین سیاست‌گذاری و قانون‌گذاری نیز چارچوب و قواره عملکرد مبادی ذیربط را در خصوص یکپارچه‌سازی تعیین خواهد کرد. (همان، ۲۰۸)

فرایند یکپارچه‌سازی ظرفیت‌های ملی در پشتیبانی از جنگ از ۳ بُعد به ۲ بُعد یکپارچه‌سازی ملی و یکپارچه‌سازی سازمانی تغییر پیدا کرد که یکپارچه‌سازی ملی توسط شورای عالی پشتیبانی از جنگ و

یکپارچه‌سازی سازمانی نیز توسط کمیته‌های برنامه‌ریزی و ستادهای پشتیبانی بصورت تلفیقی انجام خواهد پذیرفت. (همان، ۲۰۷)

هر یک از ابعاد فرایند یکپارچه‌سازی در این الگو دارای ۲ مؤلفه می‌باشند. بُعد یکپارچه‌سازی ملی از مؤلفه‌های یکپارچه‌سازی خدمات سازمان‌ها متناسب با نیازها و یکپارچه‌سازی زیرساخت‌ها و بُعد یکپارچه‌سازی سازمانی نیز از مؤلفه‌های ایجاد و یکپارچه‌سازی بانک جامع اطلاعات ظرفیت‌های ملی و یکپارچه‌سازی فرآیندها و فرموله کردن آن‌ها تشکیل گردیدند. (همان، ۲۰۸-۲۰۷)

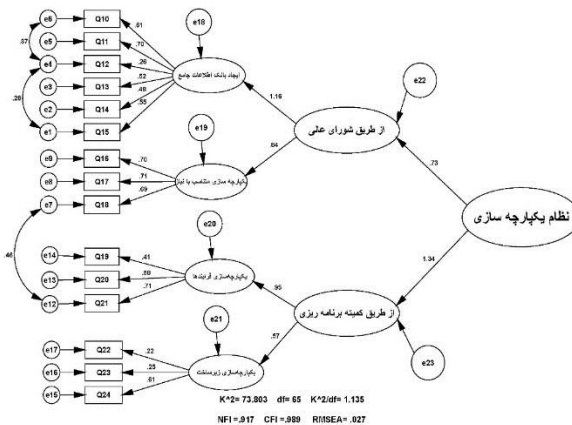
بنابراین ۴ مؤلفه اصلی در این الگو وجود دارد که مورد تأیید حجم نمونه نیز قرار گرفته است. شاخص‌های مؤلفه یکپارچه‌سازی خدمات سازمانها متناسب با نیازها عبارت است از شناسایی خدمات موردنیاز، ایجاد نظام فراخوان خدمات و اشتراک گذاشتن خدمات. (در مجموع ۳ شاخص)

شاخص‌های مؤلفه یکپارچه‌سازی زیرساخت‌ها عبارت است از نیازسنجی شبکه میان افزار، برنامه نویسی امنیت محور و تهیه سخت افزار. (در مجموع ۳ شاخص)

شاخص‌های مؤلفه ایجاد و یکپارچه‌سازی بانک جامع اطلاعات ظرفیت‌های ملی عبارت است از ظرفیت‌های اجتماعی - فرهنگی، اقتصادی، سیاسی، جغرافیایی، علمی - فناوری و نظامی. (در مجموع ۶ شاخص)

شاخص‌های مؤلفه یکپارچه‌سازی فرآیندها و فرموله کردن آن‌ها با حذف ۲ شاخصی که مورد تأیید حجم نمونه قرار نگرفتند عبارت است از ایجاد مکانیزم مدیریت انتقال اطلاعات و فراخوانی پردازش‌ها، تدوین سیاست‌های عمومی سازمان و ایجاد لایه پردازش مرکزی و شناسایی فعالیت‌های مشابه در سازمان‌های مختلف و حذف فرآیندهای زائد و غیرضروری. (در مجموع ۳ شاخص)

با توجه به نتایج به دست آمده، ارتباط بین ابعاد، مؤلفه‌ها و شاخص‌ها که از نرم‌افزارهای تحلیل داده استخراج گردیده است، برابر نمودار زیر می‌باشد. (همان، ۱۹۸)



نمودار ۱: الگوی راهبردی یکپارچه‌سازی ظرفیت‌های ملی در پشتیبانی از جنگ

نتیجه حاصل از تجزیه و تحلیل در خصوص ساختار/ نهادهای مناسب برای یکپارچه‌سازی ظرفیت‌های ملی در پشتیبانی از جنگ مبین این موضوع می‌باشد که ساختار مناسب یکپارچه‌سازی ملی می‌بایست در سطح کلان مدنظر قرار گیرد و شورای عالی پشتیبانی از جنگ با اعضای شامل روسای سه قوه و رئیس ستاد کل نیروهای مسلح برای این منظور مناسب است. همچنین ساختار مناسب برای یکپارچه‌سازی سازمانی نیز شامل ستادهای پشتیبانی از جنگ و کمیته‌های برنامه‌ریزی می‌باشد تا یکپارچه‌سازی در سطح سازمان‌ها، استان‌ها و شهرستان‌ها شکل بگیرد که اعضای ستادهای پشتیبانی از جنگ ترکیبی از اعضای ستادهای مرکزی، استانی و شهرستانی و همچنین اعضای کمیته‌های برنامه‌ریزی نیز شامل معاون اول رئیس جمهور، وزیر دفاع، معاونت‌های ذیربط ستاد کل ن.م، رئیس سازمان برنامه و بودجه، وزیر کشور، سایر وزرا برحسب نیاز، نماینده نهادهای عمومی غیردولتی و نماینده تشکل‌های مردمی خواهد بود. (همان، ۲۰۴)

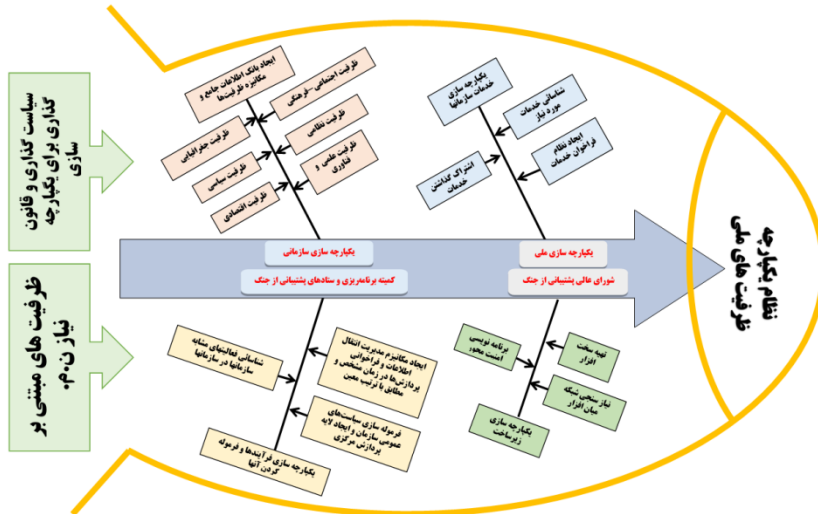
در خصوص نتیجه به دست آمده از تحقیق پیش‌رو در خصوص سؤال اصلی تحقیق یعنی "الگوی راهبردی یکپارچه‌سازی ظرفیت‌های ملی در پشتیبانی از جنگ چگونه است؟"، برابر شکل شماره ۲، با توجه به اینکه پشتیبانی از جنگ جزء امور خدماتی محسوب می‌شود، این الگو براساس مدل استخوان ماهی می‌باشد و الگویی است که از دو درون‌داد اصلی نیازمندی‌های نیروهای مسلح در زمان جنگ مبتنی بر ظرفیت‌های ملی و سیاست‌گذاری و قانون‌گذاری برای یکپارچه‌سازی تشکیل گردیده است .

محور مرکزی الگو که همان استخوان اصلی ماهی است و نقش ستون فقرات را دارد، بیانگر ابعاد فرایند یکپارچه‌سازی ظرفیت‌های ملی در پشتیبانی از جنگ می‌باشد و شامل دو بُعد است. اول یکپارچه‌سازی ملی (توسط شورای عالی پشتیبانی از جنگ صورت می‌پذیرد) و دوم یکپارچه‌سازی سازمانی (بصورت تلفیقی توسط کمیته‌های برنامه‌ریزی و ستادهای پشتیبانی صورت می‌پذیرد) می‌باشد.

بُعد یکپارچه‌سازی ملی دارای ۲ مؤلفه است. مؤلفه‌های یکپارچه‌سازی خدمات سازمان‌ها متناسب با نیازها و یکپارچه‌سازی زیرساخت‌ها. بُعد یکپارچه‌سازی سازمانی نیز همانند بُعد یکپارچه‌سازی ملی از ۲ مؤلفه تشکیل گردیده که عبارتند از مؤلفه‌های ایجاد و یکپارچه‌سازی بانک جامع اطلاعات ظرفیت‌های ملی و یکپارچه‌سازی فرآیندها و فرموله کردن آن‌ها .

مؤلفه یکپارچه‌سازی خدمات سازمان‌ها متناسب با نیازها از شاخص‌های شناسایی خدمات موردنیاز، ایجاد نظام فراخوان خدمات و اشتراک گذاشتن خدمات؛ مؤلفه یکپارچه‌سازی زیرساخت‌ها از شاخص‌های نیازسنجی شبکه میان افزار، برنامه نویسی امنیت محور و تهیه سخت افزار؛ مؤلفه ایجاد و یکپارچه‌سازی بانک جامع اطلاعات ظرفیت‌های ملی از شاخص‌های ظرفیت‌های اجتماعی - فرهنگی، اقتصادی، سیاسی، جغرافیایی، علمی - فناوری و نظامی و در نهایت مؤلفه یکپارچه‌سازی فرآیندها و فرموله کردن آن‌ها از شاخص‌های ایجاد مکانیزم مدیریت انتقال اطلاعات و فراخوانی پردازش‌ها، تدوین سیاست‌های عمومی

سازمان و ایجاد لایه پردازش مرکزی و شناسائی فعالیت‌های مشابه در سازمان‌های مختلف و حذف فرآیندهای زائد و غیرضروری تشکیل شده‌اند. (همان، ۲۰۹-۲۰۶)



شکل ۲: الگوی راهبردی یکپارچه‌سازی ظرفیت‌های ملی در پشتیبانی از جنگ

ب- پیشنهادها

پیشنادهای کاربردی

با توجه به اینکه یکپارچه‌سازی ظرفیت‌های ملی در پشتیبانی از جنگ می‌بایست از حالت تئوری و نظری به حالت عملیاتی تبدیل شده و به مرحله اجرا درآید، پیشنهاد می‌گردد دستورالعمل‌ها و آئین نامه‌های اجرائی به صورت ذیل تدوین، اجرا و ابلاغ گردد:

براساس این پیشنهاد مرجع بررسی و تدوین دستورالعمل‌ها و آئین‌نامه‌های اجرائی، کمیته‌های برنامه‌ریزی با کمک ستادهای پشتیبانی از جنگ و مرجع تصویب و ابلاغ این دستورالعمل‌ها و آئین‌نامه‌ها شورای عالی پشتیبانی از جنگ است. پیشنهاد می‌گردد در حوزه یکپارچه‌سازی ظرفیت‌های ملی در پشتیبانی از جنگ، دستورالعمل‌های زیر تدوین، تصویب و اجرا گردد.

- ایجاد و یکپارچه سازی بانک جامع اطلاعات ظرفیت‌های اجتماعی - فرهنگی، جغرافیایی، نظامی، سیاسی، اقتصادی و علمی - فناوری
- یکپارچه‌سازی خدمات سازمانها
- یکپارچه‌سازی فرآیندها و فرموله کردن آنها
- یکپارچه‌سازی زیرساخت‌ها
- و آئین نامه‌های اجرائی

- ایجاد مکانیزم مدیریت انتقال اطلاعات و فراخوانی پردازش‌ها
- تدوین سیاست‌های عمومی سازمان و ایجاد لایه پردازش مرکزی
- شناسایی فعالیت‌های مشابه در سازمان‌های مختلف
- استاندارد سازی فرآیندها با استفاده از ابزار، الگو سازی، موتور فرایندی و ابزار راهبری
- حذف فرآیندهای زائد و غیر ضروری
- شناسایی خدمات مورد نیاز
- ایجاد نظام فراخوان خدمات
- یکپارچه‌سازی خدمات
- هماهنگ سازی نیازها
- تهیه سخت افزار
- نیازسنجی شبکه میان افزار
- برنامه نویسی امنیت محور
- پیاده سازی
- تدوین ، تصویب و اجرا گردد.
- ب) پیشنهاد میگردد در حوزه بکارگیری ظرفیت‌های ملی در پشتیبانی از جنگ، دستورالعملهای :
 - ارائه پیشنهاد به شورای عالی پشتیبانی از جنگ
 - تعیین شکاف‌های ظرفیتی و قانونی مورد نیاز
 - شناسایی راه های میان‌بر برای رفع شکاف‌ها
 - تعیین کفایت ظرفیتی و قانونی با نگاه به نیازها
 - و آئین نامه های اجرایی
 - نحوه شناسایی و دریافت نیاز از ن.م.
 - مراجعه به بانک اطلاعات ظرفیت‌ها و تعیین مبادی تأمین کننده
 - پیشنهاد به کمیته برای تصویب
 - تصویب در کمیته
 - ابلاغ به نهاد و ارگان ذیربط
 - آماده نمودن کالا و خدمات مورد نظر برای ارسال
 - ارسال محموله و دریافت تأییدیه وصول
 - نظارت و کنترل
 - ارائه بازخور

تدوین، تصویب و اجرا گردد.

پیشنهاد می‌گردد به منظور اجرای بهتر و مناسب‌تر فرآیندها و پیشگیری از بروز موازی کاری و اتلاف منابع، وقت و انرژی ملی در هریک از دستورالعمل‌ها و آئین‌نامه‌های تنظیمی، ساختار و دستگاه‌هایی که بصورت مستقیم و غیرمستقیم متولی اجرای فرآیند هستند به گونه‌ای شفاف و واضح مشخص گردند.

پیشنهاد تحقیقات آتی

برای دانش پژوهان و محققانی که علاقمند به پژوهش در حوزه‌های مشابه هستند پیشنهادهای زیر ارائه شده است.

(الف) بررسی خلاءهای قانونی پشتیبانی از جنگ

(ب) چگونگی جبران تبعات ناشی از جنگ در دوران حین و پس از جنگ (مثل رسیدگی به امور جنگ‌زدگان، خانواده‌هایی که سرپرست خود را در جنگ از دست داده‌اند، بازسازی خرابیهای ناشی از جنگ، افزایش روحیه عمومی در دوران جنگ و ...)

(ج) از جمله موضوعات مهم و مغفول مانده که نیازمند پژوهش و تحقیق می‌باشد، "تعیین نقش تحولات فضای سایبر و فناوری اطلاعات و ارتباطات در پشتیبانی از جنگ" است و لازم است به‌عنوان یک موضوع تحقیقاتی به آن پرداخته شود.

(د) در بعد یکپارچه‌سازی ملی، "مؤلفه شناسایی و یکپارچه‌سازی منابع و ظرفیت‌ها (مالی، امکانی و مواد اولیه اعم از مواد اولیه آکبند یا مواد اولیه ضایعاتی و ...)" مورد مغفول مانده است و لازم است به‌عنوان یک موضوع تحقیقاتی به آن پرداخته شود.

(ه) در بعد یکپارچه‌سازی سازمانی، "مؤلفه یکپارچه‌سازی عملیات" مورد مغفول مانده است و لازم است به‌عنوان یک موضوع تحقیقاتی به آن پرداخته شود.

فهرست منابع:

- قرآن کریم، ترجمه فولادوند.
- امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی)، مجموعه بیانات، قابل دسترسی در: www.Khamenei.ir

منابع فارسی

- اسماعیلی، محسن، بالایی، حمید. (۱۳۹۲). الگوی راهبردی تأمین امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران در قوانین برنامه ی توسعه ی اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، فصلنامه پژوهش های راهبردی سیاست، دوره ۶، شماره ۵، ص ۴۳-۷۵.
- حافظ نیا، محمدرضا. (۱۳۹۰). اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک، تهران: انتشارات پاپلی.
- حسینیان، سید مجتبی. (۱۳۹۴). نگهداشت و قابلیت اطمینان مجله آپتایم، مجله اختصاصی مدیریت دارایی های فیزیکی.
- شکوهی، حسین، بهلولی، ناصر. (۱۳۹۷). طراحی الگوی بومی تشکیل نیروی مشترک در نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه مطالعات مدیریت راهبردی دفاع ملی، دوره ۲، شماره ۶، ص ۲۱-۴۲.
- شریعتی، مسعود؛ مجیدی، عبدالله؛ خجسته، محمد. (۱۳۹۵). بررسی تأثیر تغییر ساختار مشاغل بر رضایت شغلی کارکنان، در یکی از یگان های انتظامی، سال چهارم، شماره ۴ تهران: مجله مدیریت منابع در نیروی انتظامی.
- عمید، حسن. (۱۳۸۹). فرهنگ فارسی عمید، ناشر: آشنجع، چاپ نخست.
- زرقانی، سید هادی. (۱۳۸۸). مقدمه ای بر قدرت ملی (مبانی، کارکردها، محاسبه و سنجش)، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- محمدی نیا، رضا. (۱۳۸۹). تدوین راهبرد بسیج منابع مادی کشور، درمقابله با تهدید نظامی، رساله دکتری، دانشگاه عالی دفاع ملی.
- مطالعات گروهی دوره بیست و هفتم دفاع ملی. (۱۳۹۹)، الگوی راهبردی یکپارچه سازی و بکارگیری ظرفیت های ملی در پشتیبانی از جنگ، تهران، دانشگاه و پژوهشگاه عالی دفاع ملی و تحقیقات راهبردی.